

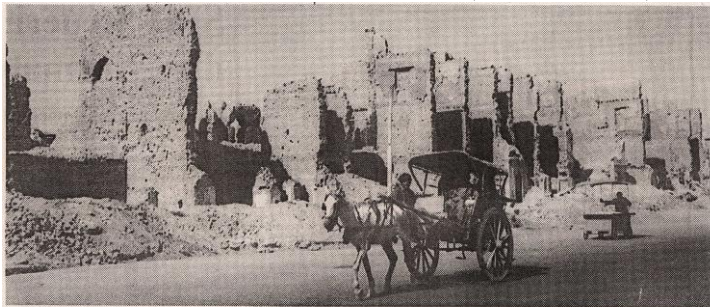
۲۰۱۲/۰۷/۱۹

عبدالحمید سامع

## طالبان افغان چه بود، چه شد و چه خواهد شد!

(قسمت هفتم)

ممکن متوجه شده باشیم، که حتی قریب هر صاحبنظر در حال حاضر، بشکلی از اشکال تلاش می ورزد، تا هر موضوعی را، از دیدگاه گروهی و محلی و غیره زوایای «تنگ» دید شخصی، مطرح نماید. آنچه خیلی کم در نظر گرفته می شود، سرنوشت وطن مشترک همه است. درین مطلب، اگر عنوان، روی همین یک گروه می چرخد، معنی آنرا نمی دهد، که اعمال دیگران، نا دیده گرفته می شود. آنچه گذشته است، اسناد ثبوت بیشتر در اختیار قرار دارد. هواداران، گروه های مخالف، فکر نکنند که با ذکر، نواقص یکی، فوراً به حساب دیگر، نقطه «مثبت» ثبت خواهد شد. نخست «فکت» ها را از نظرمی گذرانیم، بعد ببینیم که ما را به کدام تصویر روشن رهنمائی خواهد کرد.



Moderne Ruinenlandschaft: Afghanistans Hauptstadt Kabul liegt nach fast 17 Jahren Krieg zum großen Teil in Trümmern. Nachdem die sowjetischen Truppen abgezogen waren, begann ein blutiger Bürgerkrieg zwischen den ehemaligen Befreiungskämpfern. Derzeit macht die Taliban-Miliz Präsident Burhanuddin Rabbani dessen Macht streitig. (Bild: Annegret Platzkowsky/dpa)

عکس سمت چپ را «با اسپ و گادی»، «فرانکفورتر روندشاو» آلمانی زبان، بتاريخ ۳ سپتمبر ۱۹۹۶، ۲۴ روز قبل از ورود طالبان به کابل منتشر ساخته است. این «هنر» «تنظیم های دیگر جهادی» شمرده می شود، که بعد از ویران نمودن بی رحمانه کابل و فرار دادن بیش از یک چهارم باشندگان کابل، تنها بسمت شمال، دوباره متحد شده اند. در آنزمان از رسیدن و یا حضور «طالبان» در

«میدان شهر» گزارش یافته و همچنان از «حملات» قوای حکومتی بر آنها، راپور داده شده است. درین زمان همچنان می نویسند که «طالبان» پانزده ولایت کشور را تسخیر نموده و کابل را در محاصره گرفته اند.»

متن کوتاهی که در پای این تصویر جای داده شده است، توجه ام را بخود جلب نمود. فقط بخاطر آنکه از خوانندگان محترمی که اگر احیاناً به زبان آلمانی بلدیت نداشته باشند، ترجمه آنرا تقدیم، می دارم: «منظره ویرانی «مودرن»: قسمت های اعظم، پایتخت افغانستان، کابل، بعد از ۱۷ سال جنگ، به ویرانه مبدل گردیده است. بعد از آنکه قوای شوروی خارج شده اند، جنگ خونین داخلی بین آزادیخواهان وقت در گرفت. در حال حاضر ملیشه – طالبان، با قدرت رئیس برهان الدین ربانی می جنگند.»

روزنامه آلمانی زبان، «فرانکفورتر روند شاو»، بعد از آنکه «طالبان» وارد کابل شده اند، در شماره روز اول اکتوبر آن ۱۹۹۶، نوشت: «طالبان به تسخیر ادامه می دهند» در سطر دوم می خوانیم: «ملیسه اسلامی شریعت را عملی می سازد.» در همین گزارش، خیر می دهد که «ملیسه طالبان بنیادگرای افغانستان، روز دوشنبه ۳۰ سپتمبر، روز چهارم، بعد از ورود به کابل، به پیشروی بسمت شمال ادامه داده اند. در عین زمان، یقین داشته است، که در برخورد با قوای «دوستم»، خود را آماده می سازند. همین منبع همچنان از تسخیر شهر های متعدد توسط قطعات دوستم، نام برده، واحد های جنگی نامبرده الی تونل سالنگ پیشروی نموده، در آنجا سنگر گرفته اند. در عین حال خیر می دهد که «سالنگ» در کنترل واحد های مسلح دوستم و عساکر حکومتی «رئیس جمهور برهان الدین ربانی» قرار دارد. از همان لحظات نخست، حتی قبل ز عقد اتحاد جدید، در برابر فشارهای «افراطیون طالب»، «قوای دوستم، از خصم قبلی خود، حمایت می نموده است، هوشداری های پی در پی، بسوی «طالبان» صادر می نموده است، که از هریک «هموطن تحت تعرض طالبان حمایت خواهد کرد.»

«راپورتر روزنامه» می نویسند، در حال و احوالیکه حدود تخمینی ۲۵۰۰۰۰ انسان، در تلاش فرار از زیر دست «طالبان» در کابل بسوی شمال می باشند، قدرتمندان نو کابل، «قوانین اسلامی خود را تعمیم می نمایند.» با نقل از زبان یکی از اعضای رهبری می نویسند: «یک عضو رهبری روز دوشنبه تأکید ورزید، که شریعت شدیداً تطبیق می گردد: دست دزدان قطع خواهد شد، سر قاتل بریده و زناکار سنگسار خواهد شد.» همین گزارشگر همچنان خبر می دهد، که «از طریق رادیو به مأمورین دولتی و عساکر اعلان گردید که ریش بگذارند، در غیر آن به جزای سنگین روبرو خواهند گردید. دختران دیگر اجازه رفتن به مکتب را ندارند. زنان از رفتن به کار ممنوع اعلان گردیدند. فقط

دیانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاین تاسو په درنښت همکاري ته راپولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادښت: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

داکتران از آن مستثنی بوده اند، آنهم در صورتیکه فقط حق معالجه به هم جنس را داشته باشند. همه زنان باید چادری بپوشند»

«ژورنالیست» علاوه می کند، که «در قدم اول باید مأمورین معاشات خود را دریافت دارند. ۷۰ فیصد شاگردان تا اکنون، توسط زنان تدریس می شده اند.»

نماینده خاص سازمان ملل متحد، «دیپلومات» آلمانی، «ناربرت هول» (Norbert Holl)، بعد از دیدار با «قدرتمند – طالبان»، روز یکشنبه، اطلاع داده است، «آمادگی خود را به همکاری تبارز داده اند. اما حاضر به مراعات «معیار» های حقوق بشر نشده اند.»

پس ازین گزارش، «کمیسار حقوق بشر سازمان ملل متحد، درست بتاريخ ۴ اکتوبر ۱۹۹۶، نگرانی آن سازمان را در باره وضع حقوق بشر در افغانستان، ابراز داشته است. در همان روز «ملیشة افراطی اسلامی، طالبان» از سازمان ملل متحد تقاضا نموده بودند، تا قدرتمداران جدید را در کابل برسمیت بشناسد. این برسمیت شناختن را برای آن سازمان «شایسته مشوره» دانسته اند. از زبان «ملا محمد غوث»، که در نقش وزیر خارجه توظیف بوده است، اخبار پاکستانی «د نیوز» (The News)، حکایت نموده است، که این قدم را «برای صلح در افغانستان مفید» خوانده است. از چنین شیوه سخن یکنوع «آلت ماتم» و «دیکنه از مواضع قدرت» نیز می تواند، استخراج گردد.

کمیسار حقوق بشر سازمان ملل متحد، در «ژینو»، «جوزه ایالا لاسو» (Jose Ayala Lasso)، در رابطه با «وضع حقوق بشر در افغانستان»، در یک نامه، به «ملا محمد عمر یاد آوری نموده است، که افغانستان تعداد زیادی از «نورم های حقوق بشر را به امضا رسانیده و تصویب نموده است.» در عین زمان از مکلفیت های اینکشور، در برابر «میثاق» محو هر گونه «تبعیض» در برابر زنان نیز تذکر داده است. از رهبری «طالبان» تقاضا نموده است، تا به

«حقوق زنان در پیشبرد شغل و حق دختران به

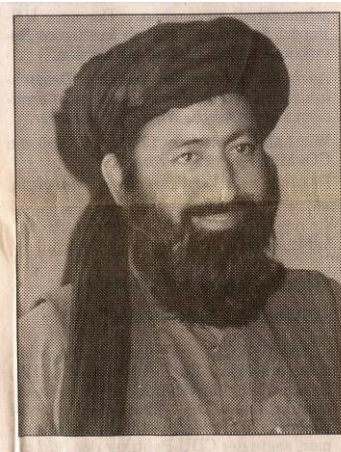
تعلیم، احترام گذاشته شود.» در همین شماره همچنان از زبان «چشم دید ها» گزارش می یابد، که اتباع را در کابل «بزور» به «نماز جمعه» در مسجد جامع «پلخستی» می برده اند.



جالب است، که باز هم این قدرت با همچو کمبودی های اساسی در سیاست آن، ممکن انتظار «برسمیت شناختن» را از جانب سازمان ملل متحد، داشته بوده باشد، در حالیکه شدید ترین تخلفات از موازین «بین المللی در رابطه با حقوق بشر و بخصوص، تبعیض غیر قابل تصور و غیر قابل

قبول در برابر زنان و دختران مرتکب شده اند، برای جامعه بین المللی، «مشوره» داده اند..

روزنامه «فرانکفورتر روند شاو» در یک گزارش آن، که بتاريخ ۸ جولای ۱۹۹۶ منتشر ساخته است، تصاویر ذیل را هم، به نشر سپرده است. این صحنه را در «میدان شهر» عکاسی نموده اند. افراد قومندان «طالبان»، «عبدالرزاق»، افراد معتاد به «چرس» را دستگیر نموده، روی آنها را «سیاه ساخته»، در انتظار مردم، از آنها «توبه نامه» گرفته اند، که به «دین اسلام» دوباره، ببیوندند. در گردش بازار، از طریق «بلند گوی»، باید به امر قومندان، تکراراً خود اظهار می نموده اند که: «من چرس کشیده ام، من رشوة داده ام». در جوامع متمدن، به انسانهای «معتاد» بعنوان



Das Foto der vier Missetäter (oben), die mit schwarz bemalten Gesichtern in Maidan Shahr an den Pranger gestellt wurden, mußte auf Verlangen der Wachposten fast auf Befehl gemacht werden. Ansonsten sind Afghanistans Taliban-Krieger bei Fotos mehr als zurückhaltend. Paßfotos erlaubten sie nur, nachdem sie feststellen mußten, daß ohne eine Aufnahme keine Einreisevisen in andere Länder zu haben sind. Wie aber gelingt es, einen Taliban-Kommandeur (links) zu überreden, sich fotografieren zu lassen? Ganz einfach, sagt Abdul Razaq, Taliban-Chef in Maidan Shahr: „Sie müssen mir versprechen, sich zum Islam zu bekehren.“ Selbst der Einwand, daß dies ein falsches Versprechen wäre, bringt ihn nicht von der Idee ab. „Sie versprechen das“, sagt er. Der Rest sei Inshallah. (wgm/Bilder: Willi Germund)

«مریض» می نگرند و شیوه ها و امکانات تداوی های لازم را در جامعه، سازمان داده اند. حتی مجرمین ایکه اگر، نیاز به تداوی داشته باشند، اول حق تداوی، بعد سپری نمودن، مدت محکومیت به جرم معینه از جانب محکمه، را در قید نگهداشته می شوند.

در عکس بالائی روی چهار نفر را سیاه رنگ کرده اند. در عکس پائینی، عبدالرزاق، قومندان وقت طالبان در «میدان شهر»، قریب سه ماه قبل از ورود به کابل، عکاسی شده است. همین عکاس توانسته است، عکس این قومندان را بگیرد. او تذکر می دهد، که به این امر پی برده

د پانو شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درېنت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادښت: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په څیر و لولی



اند، که بدون عکس، جهت «ویژه»، به کشور های دیگر، ضرورت است. عبدالرزاق، طوریکه در سمت راست عکس دیده می شود، به «ژورنالیست» گفته است، که «اینها باید تعهد کنند که به اسلام بر می گردند» یا بنابر اظهار او «مسلمان می شوند» در حالیکه مسلمان بوده اند، ولی معتاد. خود نیز رنج می برده اند. امالین «پیروان جدید خدا»، جزای کافی در «چانته» از «مدارس» آنسوی سرحد با خود داشته اند.

در «فرانکفورتر روند شاو»، شماره اول اکتوبر ۱۹۹۶ از زبان «معاون رئیس پارلمانی سازمان امنیت و همکاری اروپا» (OSZE)، «ویلی ویمر» (Willy Wimmer) عضو «حزب دیموکرات مسیحی آلمان» می خوانیم که، «طالبان را متهم به تلاش قاچاق حجم بزرگ هیروئین به اروپا دانسته»، از اضلاع متحده آمریکا و دیگر کشور ها، سؤال نموده است، که در «تحت همچو خطر چرا از اسلامیت ها حمایت می کنند».

همین روزنامه همچنان از «بی اعتمادی همسایگان نسبت به صاحبان قدرت جدید در کابل» خبر می دهد. درین رابطه مشخص از کشور های (GUS) یاد آور شده است، از نگرانی آنها واضح، تذکر بعمل آورده شده است، در صورتیکه «طالبان دولت خدائی» اعلان نمایند، ممکن بر کشور های آنها نیز اثرات وارد گردد.

دریای عکس سمت چپ زیر همین سطر، روزنامه می نویسد که عساکر «دوستم» را در حرکت بسوی «جبهه» جنگ نشان می دهد.



در عین زمان از حمله «واحد های وزیر دفاع سابق احمد شاه مسعود، بروز چهارشنبه، ۹ اکتوبر ۱۹۹۶، قریب دو هفته بعد از دخول «طالبان» به کابل، بر میدان هوایی، «بگرام» گزارش یافته، طوریکه از ۵۰ کشته «طالب» نیز حرف بزبان آورده اند.»

در همان روز ها، «طالبان» را در وضع دفاعی ارزیابی نموده، در حالیکه از «پیشروی» قوای حکومتی بسوی کابل، سخن گفته اند، همچنان از زیر کار بودن «پلان های اتحاد نو» خبر داده شده است. از سمت «غرب»، ولایت هرات باز «صدای اسماعیل خان» را بلند نموده بودند، که گویا از سمت غرب به حمله اقدام خواهد کرد. چندی بعد شدید ترین جنگ ها با قوای طالبان در بادغیس و سمت «شمالغرب»، براه افتاده است، که «اسماعیل خان» از حمایت قوی قطعات «دوستم» نیز بر خوردار بوده است.

طبق عادات معمول، بعد از آنکه، جوانب در گیر در جنگ مرمی های دست داشته را بمصرف رسانیده اند، روزنامه ها بتاريخ ۱۲ اکتوبر ۱۹۹۶ خبر داده اند، که «طالبان میل به مذاکره» از خود تبارز داده اند. طرف مذاکره را «رئیس ملیشه عبدالرشید دوستم» و وزیر دفاع سابق احمد شاه مسعود دانسته اند. «این تمایل را از آدرس «مولوی وکیل احمد متوکل، عضو عالی ترین شورای طالبان در کوپته» خبر داده اند. درین اظهار تذکر بعمل آمده است، در صورتیکه «دوستم و مسعود» این «پیشنهاد را رد نمایند، مسئولیت بعدی را بدوش آنها خوانده است.

منابع خبری در همان روز ها، از پیشروی ها و حملات از شمال بسمت کابل خبر می دهند، «طالبان» را از جنوب مشغول تراکم قوت هایش می دیده اند. از جانب دیگر حوادث دیگر، چون «تصادمات» و وقایع غیر مترقبه نیز خبر داده می شود. بتاريخ ۱۶ اکتوبر در اثر انفجار یک «دیپوی اسلحه» از کشته شدن کم از کم ۶۰ انسان در کابل خبر داده اند.

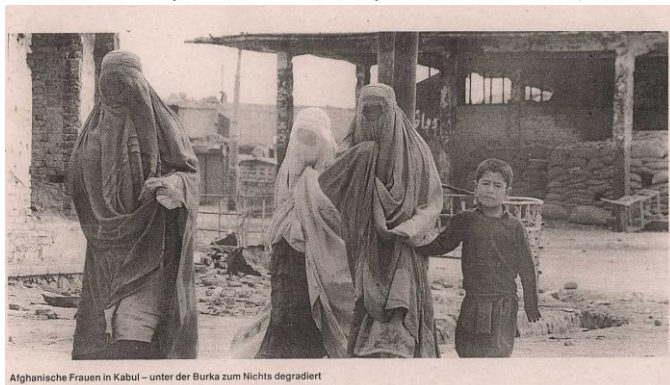
در همان روز همچنان از سر گرفتن «مأموریت «ناربرت هول»»، برای برقراری صلح بر طبق برنامه های سازمان ملل متحد گزارش داده اند. بعد از مدت کوتاهی این فرستنده، تلاشها را ناکام می شمارد. در صحبت سه ساعته، «ناربرت هول» با «جنرال عبدالرشید دوستم» و میانجی پاکستانی، «نصرالله بابر» عجالتاً به هیچ نتیجه دست نیافته است. موضوعات داغ مطبوعات را در پهلوی تداوم جنگ داخلی، موضوع قیودات «طالبان» علیه زنان و دختران مکتب تشکیل می داده است. مظاهرات زنان در مزار شریف، علیه سیاست «طالبان» بر ضد زنان، همچنان موج نشرات مبین «نگرانی» های مؤسسات حقوق بشر سازمان ملل متحد و غیره انجمن های بین المللی، موفقیت های

قطعات « ۲۰۰۰ نفری عبدالرشید دوستم» علیه «طالبان» در بادغیس، در صحنه بین المللی، «یگانه نیروی مقابله علیه افراطیون طالب» را در وجود همین «جنرال ازبک» و «قطعات» او می دیده اند.

همین روزنامه بتاريخ ۱۸ اکتوبر خبر می دهد، که گویا پاکستان در تلاش برقراری «آتش بس» بوده است. در همان روز ها، **بقول همین منبع «طالبان» حدود ۵۰۰ نفر رایه «مظاهره» علیه «روسیه، ایران و هند»** سازمان داده اند. از همان آغاز علایم مداخلات خارجی محسوس و مشهود بوده است. در منطقه موقف پاکستان، در حمایت «طالبان» از همکاری سعودی و «امارات متحده عربی» برخوردار بوده است. سه کشور متذکره فوق، بدون تردید در ضدیت با «طالب» در عن زمان، از جانب «عبدالرشید دوستم» خبر می دهند که گویا او خواسته است، «برهان الدین ربانی» را برسمیت بشناسد.

نا گفته نماند که در جریان جنگ داخلی، با آمدن «طالبان» آهسته آهسته، مؤسسات خیریه جهان و «ارگانهای» سازمان ملل متحد، در قدم اول متوجه، مقررات و دساتیر نو رهبری «طالبان» شده اند. آنها بیشتر از همه در رابطه با زندگی روزمره مردم نگران بوده اند. دساتیروضع نمودن، قیودات جدید برای «زنان» خارج از محیط خانه، حتی در پذیرش به شفاخانه، موضوعات خیلی جدی نگران کننده بوده است. خصوصاً وقتی اضافه از ۳۰۰۰۰ بیوه تنها در شهر کابل، که در شماره قبلی نیز ذکر شده است، از رفتن بکار و بیرون شدن از خانه بدون «مرد محرم» همچنان و موجودیت بی شمار، خانم های، صدمه دیدگان جنگ، که در صف آنها معلولین شدید نیز وجود داشته اند، معضله بزرگ اجتماعی را بر پا ساخته بودند.

روزنامه «دی ویلت» در شماره ۲۳ اکتوبر ۱۹۹۶ خود می نویسد: «**افغانستان دزد خود است.**» در سطر دوم عنوان می خوانیم «**میراث کلتوری کشور برای تمویل جنگ به لیلام گذاشته می شود.**» (تفصیل در روزنامه)



هفتنامه «دی سایت» در شماره اول ماه نوامبر ۱۹۹۶، با نشر این تصویر در گزارش مفصلی در باره وضع زنان در افغانستان می نویسد: «**حقوق زن حقوق بشر است. در کشورهای اسلامی به سنگین ترین وضع از آن تخلف صورت می گیر.**» (در پای همین عکس خانم ها با پسر کوچک همراه، می خوانیم: «**زنان افغان در کابل - زیر چادری به هیچ تنزیل داده شده اند.**» در همین گزارش مفصل در باره اثرات جنگ «۱۷ سال» تا آنوقت، تنها در شهر کابل، طوریکه در فوق از منابع دیگر نیز نقل نموده ایم، درین منبع هم از موجودیت «۳۰۰۰۰ بیوه زن» نام برده شده است. در قسمت پنجم، از مجله «فوکوس» (Focus) بطور روشن نقل نمودیم که مجله مذکور، از ضدیت صریح «روسیه» با «طالبان» نشان داده بودند و از موضعگیری واشنگتن «با احتیاط مثبت» ذکر نمود بودند.

ختم قسمت هفتم  
ادامه دار ...